

تحلیلی بر گونه شناسی «کیچ» در بناهای معاصر ایران (مطالعه موردی: شهر تهران)*

دکتر علیرضا تغابنی**، دکتر علی اکبر صارمی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

مکیده

معماری کیچ، یکی از انواع آفت‌ها در حرکات‌های خلاق به شمار می‌رود که شناختن آن و گونه شناسی این نوع معماری و بازشناسی و ریشه‌یابی آن در معماری امروز، ما را به شناخت بهتری از خود و روش‌هایمان می‌رساند. هدف از انجام این پژوهش، تحلیلی بر گونه شناسی «کیچ» در بناهای معاصر ایران و شناسایی معیارها و مشخصه‌های این معماری در ایران است. در این راستا، ۱۵۰ بنایی که از نظر مردم و مشاورین املاک، پروژه‌های شاخص معماری قلمداد می‌شدند، انتخاب‌شده و مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به این که نما، بیرونی‌ترین تظاهر معماری و بهترین وجه بنا برای آزمون شاخصه‌های کیچ است، نماهای این بناها از سه جنبه ایده و شکل و جزئیات مورد مقایسه با شاخصه‌های «کیچ» قرار گرفتند. روش این پژوهش، تئوری برخاسته از زمینه است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که این شاخصه‌ها، در سه گونه «کیچ‌های» سبکی، الگویی، مصالح و جزئیات قابل تبیین است.

واژه‌های کلیدی

معماری کیچ، کیچ سبکی، کیچ الگویی، کیچ مصالح و جزئیات، معاصر.

** این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بررسی عوامل شکل‌گیری معماری عوام‌پسند (کیچ) در معماری معاصر ایران» می‌باشد که به راهنمایی دکتر علی اکبر صارمی انجام پذیرفته است.

** دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)
Email: Arch.nouri@gmail.com
*** استادیار معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Taghaboni@nextoffice.ir

مقدمه

اصطلاح «کیچ» مانند مفهومی که بدان اشاره دارد، کاملاً جدید است. این اصطلاح در دهه‌های ۱۸۶۰م؛ و ۱۸۷۰م. به ژارگون (زبان تخصصی) نقاشان و دلان هنری مونیخ وارد شد و برای مشخص ساختن آثار هنری نازل به کار گرفته شد؛ اما بعد از اولین دهه‌های قرن بیستم بود که کیچ به اصطلاحی بین‌المللی تبدیل شد. همان‌گونه که برای برجسب‌های تقریباً منعطف و شایع رخ می‌دهد، ریشه‌ی این اصطلاح چندان مشخص نیست (Dorfles, 1968). ریشه‌ی کیچ هر چه باشد، هنوز واژه‌ای شدیداً تحقیرآمیز است و در دامنه‌ای گسترده از کاربردهای ذهنی استفاده می‌شود. در بسیاری از مواقع، چیزی را کیچ نامیدن به معنای رد کردن قاطع آن چیز به‌عنوان امری مهوع، ناخوشایند و نفرت‌انگیز است. باین‌حال، کیچ را نمی‌توان به اژه‌ها یا موقعیت‌هایی اطلاق کرد که در کل به دامنه‌ی وسیعی از تولید یا دریافت زیباشناختی تعلق ندارند. در کل صفت کیچ مدعیات یا تظاهر به کیفیت چیزی را کنار می‌نهد که سعی می‌کند «هنری» بنماید بی آن‌که در حقیقت چنین باشد. از همین رو می‌توان کیچ را به شکلی تحقیرآمیز به معماری، طراحی منظر^۱، مبلمان و دکوراسیون داخلی، نقاشی و مجسمه‌سازی، موسیقی، سینما و برنامه‌های تلویزیونی، ادبیات و هر چیزی نسبت داد که تابع داوری ذوق است. باین‌حال باید به یاد داشته باشیم که تفکیک میان این دو مقوله ممکن است به‌شدت مبهم باشد: تبلیغات ممکن است نقابی بر نوعی سرگرمی «فرهنگی» باشد و برعکس، سرگرمی ممکن است اهدافی استثماری را هدف گرفته باشد. از لحاظ تاریخی، «کیچ» معلول صنعتی شدن، شهرنشینی و ظهور یک طبقه متوسط جدید است. در اوایل قرن نوزدهم، پیشرفت در تولید کارخانه‌ای، تولید و فروش پرسود، در کنار هم با گرایشی به شهرنشینی، این امکان را فراهم آورد که کالاهای فرهنگی با تولید انبوه در دسترس شمار وسیعی از مردم قرار گیرد. بدین ترتیب تولید و تکثیر انبوه، ماهیت هنر را به کلی دگرگون ساخت. به بیان دیگر، تکثیر انبوه در تلازم با فرهنگ مردم دارای خصلتی زیبایی‌شناسانه گردید (مددپور، ۱۳۸۸). واژه «کیچ»، به کیفیتی نازل در تولید محصولات هنری اشاره می‌کند که با ویژگی‌هایی نظیر تقلید و تکرار، انباشت، حس‌آمیزی، رجوع تقلیل‌گرایانه به گذشته و سنت و دلالت مستقیم، همراه است (معنوی راد و مرسلی توحیدی، ۱۳۹۴، ۵-۱۶؛ Calinescu, 1987, 236). سؤال اصلی پژوهش عبارت‌اند از: «گونه شناسی معماری کیچ در معماری امروز ایران چیست؟». در راستای رسیدن به پاسخ این سؤال، هدف پژوهش، گونه شناسی «کیچ» در بناهای معاصر ایران در شهر تهران است.

واژه‌شناسی و فاستگاه «کیچ»

کیچ در زبان آلمانی که برخاسته از آن است، واجد مترادف‌ها یا شبه مترادف‌های بسیاری است، نظیر شونند^۲ یا مبتدل و همچنین ترکیب‌های نحوی‌ای چون ادبیات شونند^۳ یا ادبیات مبتدل که دال بر کیچ ادبی است. در زبان فرانسه، کولوت^۴ حاکی از نازل بودن و کیفیت فقیر بسیاری از اژه‌های کیچ است لیکن مفهومی زیباشناختی نیست. در ضمن در فرانسوی، مفهوم سبک پومپی^۵ پر^۶ به مجموعه‌ی متنوعی از ذوق بد آکادمیک و متفرعانه در نقاشی اشاره دارد؛ لیکن فاقد پیچیدگی معنایی و انعطاف واژه‌ی کیچ است. در ییدیش^۷ و همچنین انگلیسی آمریکایی کلماتی چون شلوک^۸ (چیزی که واجد ارزش یا کیفیتی پایین است) یا شمالتز^۹ (هنر احساساتی و به شکلی غلوآمیز متکلف و پرنقش‌ونگار) به معنای خاصی که کیچ دال بر آنها است، نزدیک‌اند؛ اما قادر به پوشش دادن به کل آن فضای نیستند که کیچ بدان اشاره دارد. واژه‌ی اسپانیایی کورسی^۹ تنها واژه‌ی بسیطی است که نشانگر جنبه‌های فریبکارانه و خودفریبانه‌ی ذوق بد است، جنبه‌هایی که کیچ نیز بدان اشاره دارد. ناسازه‌های زیباشناختی دخیل در مفهوم کورسی بسیار شبیه کیچ است (Kulka, 1996). برخی نویسندگان معتقدند این کلمه‌ی آلمانی مشتق از کلمه انگلیسی «اسکیچ»^{۱۰} است که هنرمندان مونیخی آن را به شکل دیگر (یعنی کیچ) تلفظ می‌کرده‌اند و به شکلی تحقیرآمیز برای اشاره به تصاویر نازل، کالاهای بی‌ارزش و ارزان‌قیمتی دارد که توسط جهانگردان انگلیسی از کشورهای اروپایی خریداری می‌شد. این جهانگردان، خواهان خرید طرح‌های سردستی و نقاشی‌هایی بودند که نقاشان کم‌مهارت از چشم‌اندازهای اروپا، کوه آلپ، روستاها و شهرها می‌کشیدند و به سبب تولید انبوه، به قیمت ارزان می‌فروختند. نظریه دوم، «کیچ» را برگرفته از واژه کهنه و منسوخ آلمانی کیچن^{۱۱} می‌داند که هم‌اسم است و هم صفت. یک معنای این واژه، بازی کردن با گل و صاف کردن سطح آن و معنای دیگر به شکل تلویحی، به «سرم‌بندی کردن» اشاره دارد (Fisher, 2005). این اصطلاح، دارای باری منفی و اهانت‌آمیز است و معمولاً اشاره به کار بی‌ارزش ولی پرزرق‌وبرقی دارد که در آن تنها ارضای سلیقه‌های «عامه‌پسند» در نظر گرفته می‌شود. نظریه سوم که اعتبار آن بیشتر است، معتقد است «کیچ» برگرفته از واژه ورکیچن^{۱۲} است؛ این اصطلاح معنای پول درآوردن را داشت و اشاره به هنری داشت که در آن نشانی از ارزش‌های زیبایی‌شناختی دیده نمی‌شود (Calinescu, 1987, 234). این سه فرضیه‌ی ریشه‌شناختی غالب، حتی اگر اشتباه باشند، به نظر می‌آید مشخصات بنیادین خاصی از کیچ را نمایان می‌سازند. چیزی اجمالی و دست‌وپاشکسته، در دسترس‌پذیری و گذرا بودن، بی‌ارزش بودن.

رویکرد نظریه‌پردازان به «کیچ»

دارد، انگار که آن را مثل فسست‌فودی بدانند که گرچه مصرفش برای مخاطب، لذت‌بخش است، اما بی‌مایه و گاه مضر است. از طرف دیگر، دیدگاه‌هایی وجود دارند که درعین حال که برای هنر آوانگارد یا متعالی ارزشی بیشتر قائل‌اند. هنر «کیچ» را در کنار آن قابل تحمل (مانند نظر کاپلان) یا ضرورت عصر ما می‌دانند (مانند نگاه کوهن). دیدگاهی دیگر نیز تمامی اشکال و قالب‌ها و رسانه‌های هنری را به صورت افقی هم‌ارزش دانسته، میان هنر متعالی و «کیچ» تفاوتی ذاتی قائل نیست، چون نگاه ناولتس. (فیشسر، ۱۳۸۴، ۳۰۱-۳۱۱). گستره گفتمان و

منتقدان و نظریه‌پردازانی نظیر، «کلمنت گرینبرگ»^{۱۳}، «میلان کوندرا»^{۱۴}، «هرمان بروخ»^{۱۵}، «آبراهام کاپلان»، «دیوید ناولتس»، «جان فیشسر»^{۱۶} و غیره، با رویکردهای گوناگون، نظریات مهمی در این حوزه ارائه کرده‌اند. در نقد هنری، نگاه‌های متعددی به «کیچ» وجود دارد که طیفی از رادیکال‌ترین مواضع مدرنیستی تا نسبی‌گرایانه‌ترین برخوردها است. برای مثال دیدگاه کلمنت گرینبرگ، ابتدال در هنر «کیچ» را عنصری واپسزده برای هنر میدانند و نگاهی تحقیرآمیز به آن

جدول ۱. تحلیلی بر دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در حوزه «هنرکیچ». (مأخذ: Fisher, 2005, 527-540; Dorfler, 1968, 169; Kulka, 1996, 120؛ شایگان فر، ۱۹۱، ۱۳۸۳؛ رامین، ۱۳۹۰، ۵۲؛ Greenberg, 1989, 3-21؛ کوندرا، ۱۳۹۱، ۲۶۷؛ حقیقت‌خواه، ۱۳۹۱، ۳۵؛ قهرمان، ۱۳۸۳، ۱۹۱؛ شایگان فر، ۱۱۶-۱۳۹۱؛ رامین، ۱۳۹۰، ۵۲)

تحلیلی بر دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در حوزه «هنرکیچ»

نظریه‌پرداز	تعریف «کیچ»	بسط
کلمنت گرینبرگ	سلیقه بد و تحقیرآمیز	آنتی‌تز ارزش‌های زیبایی‌شناختی مدرنیسم
میلان کوندرا	نگرش «کیچ» و انسان «کیچ»: نیاز انسان «کیچ» منش	خشنودی ناشی از «کیچ» را تنها به خاطر فهم آسان و صورت آشنای آن؛ رضایت مخاطبان «کیچ» از نمایش دادن چیزهای مورد تأیید و انتخاب عموم مردم.
هرمان بروخ	هنر بنجل بدی در نظام ارزش‌های هنری ضد هنر و آفتی در هنر	ریشه «کیچ» در تمایل انسان به ارائه تصویر زیبا از خود و کاملاً متفاوت با خود واقعی او تشبیه رمانتیسیسم بدون این‌که خود «کیچ» باشد، به مادر «کیچ»؛ وعده «کیچ» و رمانتیسیسم به افراد برای پروازی تازه و منحصر به فرد؛ پروازی از واقعیت به سمت تجربه خیالی از سعادت، آرامش و همسازی شیرین و پروازی به درون آسایش.
آبراهام کاپلان	«کیچ»، هنر قابل تحمل	هنر آوانگارد باارزش‌تر اما «کیچ» هم قابل تحمل، دوری از هرگونه پیش‌داوری ارزشی؛ تمام هنرها را ضرورت عصر ما مانند هنر عامه‌پسند
تد کوهن	هنر «کیچ»، ضرورت عصر ما	دوری از هرگونه پیش‌داوری ارزشی و هنر «کیچ»، ضرورت عصر ما
دیوید ناولتس	«کیچ»، هم ارزش هنر متعالی	هم‌ارزشی هنر متعالی و «کیچ» و عدم هیچ‌گونه تمایزی میان رسانه‌ها و انواع قالب‌های هنری
گیلبرت‌هایت	متفرعن و بادکرده بودن	نمایش یا تظاهری زمخت، ساختش پرزحمت و ظاهرش کریه هنر عامه‌پسند پایین‌تر از هنر فاخر، هنر «کیچ» به مقتضای حال و موقعیت، قابل تحمل و پذیرش
جان فیشسر	دیدگاه کلی و ارائه دسته‌بندی ارائه دسته‌بندی ۴ گانه برای «کیچ» و تفسیر آنها: دیدگاه سلسله مراتبی بردبارانه دیدگاه سلسله‌مراتبی نابردبارانه دیدگاه سلسله‌مراتبی تکثرگرا دیدگاه عرف‌گرا	«کیچ» به عنوان قلمرو سلیقه بد و معرف تلاش‌ها و نیت‌های هنرمندان‌ای به شکلی آشکار و افراط‌آمیز، سانتی‌مانتال، تکراری و تصنعی. «کیچ» معرف سلیقه‌ای بد و متظاهرنه و نوعی احساساتی‌گری کاذب و تقلبی. ضرورت وجود تمام هنرها در عصر ما؛ «هنر عامه‌پسند» نیز ضرورت عصر حاضر.
		دیدگاه «تکثرگرایانه»: هم ارزش بودن همه فرهنگ‌ها و اشکال هنری و عدم هیچ‌گونه تمایز میان رسانه‌ها و انواع قالب‌های هنری.

آن هستیم که نقد معماری در اطرافمان هم آکنده است از ادبای نازل و نگاهی کوتاه. در اینجا است که تاباندن نوری بر این مفهوم و بازخوانی معماری معاصر از طریق آن، حتی با علم به اینکه از موضعی بالا به پایین به آن نگاه می‌کنیم، بسیار ضروری می‌نماید (فرهادپور، ۱۳۷۹). «کیچ»، با ظهور طبقه متوسط شکل می‌گیرد. تاریخچه آن به زمانی بازمی‌گردد که پس از انقلاب صنعتی، طبقه متوسط نوظهور، سعی میکرد خود را شبیه به اشراف قبل از انقلاب کند و طبیعی است که چون وقت و پول این کار را نداشت، صرفاً به تقلیدی سرسری از نوع هنری بپردازد که آنان دنبال می‌کردند. هنر «کیچ» پاسخ عطش هنر این طبقه نوظهور بود (شکل ۱). اگر بخواهیم ردپای هنر «کیچ» را در تاریخ معماری پی بگیریم، به دوره پس از باروک و تزئین‌های روکوکو می‌رسیم. بعد از آن، می‌توان نشانه‌هایی از این نگاه را در دوره‌ی نئوکلاسیسیسم پیش از مدرن یافت. دورانی که به اِکلیکتیسیسم (خوشه‌چینی، التقاط‌گرایی) مشهور شد. امروزه «کیچ» در سرتاسر دنیا حضور دارد. ظهور «کیچ» در هر جامعه‌ای، با مدرن بودن آن جامعه نسبت مستقیم دارد. ظهور مدرنیته و به تبع آن به وجود آمدن طبقات اجتماعی نوین (طبقه‌ی متوسط)، تازه به دوران رسیده‌ها که همگی مقلدان سلیقه و ذوق اشراف قدیم بودند، تهیه و تکثیر انبوه آثار هنری باقیمت‌های متفاوت، تمایل و امکان مصرف گسترده آثار هنری و از بین رفتن مصرف‌کنندگان سخت‌گیر و فرهیخته از تبعات مدرنیته و «کیچ» است که در ایران هم چون دیگر نقاط دنیا بروز یافته است.

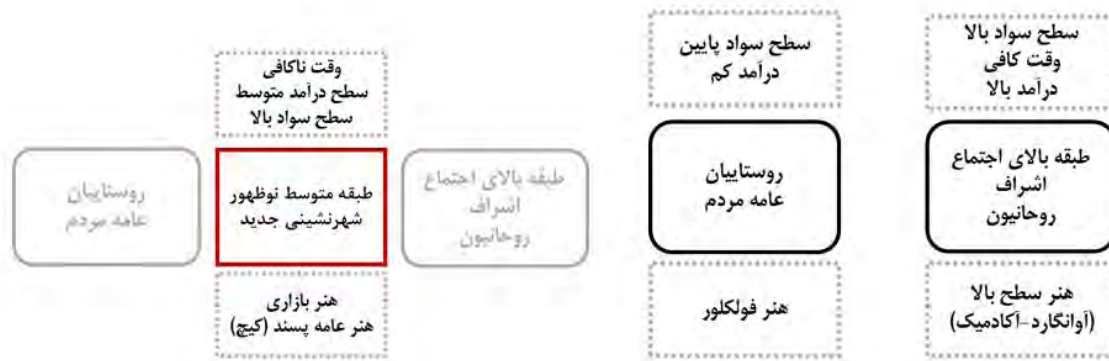
روش پژوهش

این پژوهش، از نوع کیفی^{۲۰} و تئوری برخاسته از زمینه^{۲۱} است. پژوهش کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی (همچون مشاهده، مصاحبه، شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست‌اول درباره موضوع

رویکرد به «کیچ» از حوزه مخالفت با این پدیده و مظاهر آن تارزش و اعتبار قائل شدن به آن، به‌عنوان وجهی از هنر، گسترده است که اهم نظریه‌ها و گفتمان‌هایشان به‌طور خلاصه در جدول ۱ آورده شده است.

جامعه‌شناسی «کیچ»

پدیده «کیچ» در حقیقت معلول صنعتی شدن و پیامد تحولات اجتماعی است. در حقیقت پس از صنعتی شدن اروپا، طبقه متوسط جدیدی در شهرها به وجود آمد که دیگر همان هنر فولکلور قدیم آنها را ارضاء نمی‌کرد. در حقیقت، این مردم طبقه متوسط همان روستاییانی بودند که قبل از انقلاب صنعتی و صنعتی شدن، با هنر عامیانه و فولکلور خود و موسیقی‌ها و صنایع‌دستی محلی خود، به ارضاء خواسته‌های هنری خود می‌پرداختند؛ اما پس از شهرنشینی، برای نشان دادن ذائقه خود برای «چیزهای عالی» و ایجاد وجهه‌ای «بافهنگ» از خود، به هنر اشراف و طبقه بالای اجتماع متمایل شدند و از آنجایی که این طبقه نوظهور نه وقت کافی و نه توانایی مالی کافی برای پرداختن به آن نوع هنر داشتند، هنری به وجود آمد که از نظر ظاهر شبیه به آن نوع هنر بود، اما با تولید انبوه صنعتی^{۲۲}. یعنی در اواسط قرن نوزدهم پیشرفت در تولیدات کارخانه‌ای باعث تولید انبوه و توزیع پرفروش و پرسود اشیا هنری و زیورآلات فاقد ارزش هنری مختلف گردید (Fisher, 2005, 527-540). باوجود تمامی این نگاه‌ها در شرایط کنونی معماری کشور و وضعیت شهرها و نوع زیبایی‌شناسی مستولی بر بناها، حتی تساهل‌گرایانه‌ترین دیدگاه‌ها هم نمی‌تواند مورد تأیید باشد و به قول مراد فرهادپور، «این آمیخته بلاهت و سودجویی» فضای زیستمان را چنان در برگرفته است که با رشد قارچ‌گونه این معماری نازل، راه را برای تنفس معماری باکیفیت (دست‌کم جدی‌تر) تنگ کرده است (فرهادپور، ۱۳۸۲). گاه دیده می‌شود که امتداد این نگاه به حیطة نقد نیز کشیده می‌شود و شاهد



شکل ۱. نمودار پدیده کیچ قبل از صنعتی شدن^{۱۸} و بعد از صنعتی شدن^{۱۹}

موردتحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری‌شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی‌شده حاصل می‌شود. (دلاور، ۱۳۷۴، ۲۵۵). اساساً تحقیق‌های کیفی مبتنی بر دو فرض مشخص انجام می‌پذیرند. یک پدیده و یا واقعیت منحصر به فرد برای شناخت در کار نیست که محقق بخواهد در پی کشف آن باشد، بلکه ادراکات مختلفی از واقعیت در کار است که معنای آن را بر می‌سازد و درعین حال برای فهم این معانی و ادراکات باید توجه داشت که آنها در بطن یک زمینه معنادار می‌باشند (Vasilachis de, 2011)، پس باید با نگاهی کل‌نگر آنها را دنبال کرد (Annells, 199, 379-393). روش پژوهش، «تثوری برخاسته از زمینه» شامل «کدگذاری باز و (6).

فرمول‌های همیشگی، مسیرهای آزموده شده، عناصر تکراری، عدم خلاقیت	کلیشه ای	ایده‌ی شکلی دهنده
نوگرایی در پوسته، شکل‌سازی بر روی نما (بدون ارتباط با حجم)	خلاق در سطوح روستایی	
تاویل پذیری، آسان فهمی حجم، فقدان پیچیدگی فرمی	آسان فهم	
عناصر تعمیلی به ساختمان برای فروش سریع تر	بازار محور	
حل نشدن نمای سوم، رعایت نکردن خط آسمان، بی‌اعتنایی به بافت اطراف	بی‌ارتباط با زمینه	
تاویل ناپذیری، آسان فهمی حجمی، فقدان پیچیدگی فرمی	قدرت محور	فرم و شکل
استفاده از زرق و برق، فانتری‌گرایی، عناصر فرهنگ پاپ	جذابیت عام	
استفاده از عناصر سبک‌های مختلف	التقاطی	
نمایش با عناصر اصالت (باستان‌گرایی رومی، یونانی و ایرانی)، عظمت‌گرایی تعمیلی به ساختمان، گرایش به تزئین‌های پرهزینه	نمایش‌گرا و تجمل‌گرا	
عناصر و شاخصه‌های تعمیلی معماری تکنولوژیک	حسرت‌گرا نسبت به پیشرفت	
طراحی رویه‌ی ساختمان براساس شاخصه‌های سبک‌های جدید و گرایش‌ها و جریان‌های مرسوم	مدگرا	جزئیات و مصالح
عناصر و شاخصه‌های گذشته‌گرا، حال و هوای رومانتیک (از طریق نشانه‌های دارای بار عاطفی)	نوستالژیک	
بر اساس واردات بازار، بر اساس درخواست بازار	بازار محور	
عدم خلاقیت در کاربری مصالح	دارای کاربرد متعارف	
استفاده از مصالح ناهمخوان، جزئیات نامرتبط، تزئین‌های ناهم‌آهنگ	ناهمخوانی	
عناصری که با ساختمان ارتباط درونی ندارند (در حجم، کاربری و محتوا)	کاذب کاری	

شکل ۲. نمودار بررسی عوامل تأثیرگذار بر «کیچ» در سه منطقه شهر تهران در سه گونه ایده‌ساختاری، فرم، مصالح و جزئیات

کیفی است، تعداد افراد مورد مصاحبه یا حجم نمونه به اشباع نظری

است. سؤال‌های موردبررسی بستگی دارد. به‌این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌های داده‌شده و یا مصاحبه‌های انجام‌شده با افراد مطلع به‌اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آنها وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (Strauss & Corbin, 1994). حجم نمونه در این پژوهش، بر انتخاب بناهایی استوار است که در سه منطقه از شهر تهران قرار دارند. این بناها از جنبه‌های ایده‌ساختاری، فرم و مصالح و جزییات موردبررسی قرار گرفتند. در راستای این هدف، از ۱۵۰ نمونه نمای بناها در سه منطقه از شهر تهران، چک‌لیست‌هایی تهیه شد که در آنها ویژگی‌های «کیچ» در سه گونه ایده‌ساختاری، فرم، مصالح و جزییات وجود داشت. با این تحلیل مشخص خواهد شد هر یک از این بناها تا چه حد دارای شاخصه‌های معماری کیچ هستند و محلات مختلفی که موردبررسی قرار گرفته‌اند، نیز با یکدیگر مقایسه خواهند شد. از همه این ۱۵۰ بنا برداشت میدانی و عکاسی انجام شد (شکل ۲).

کیچ» در سه گونه ایده‌ساختاری، فرم، مصالح و جزییات وجود داشت. با این تحلیل مشخص خواهد شد هر یک از این بناها تا چه حد دارای شاخصه‌های معماری کیچ هستند و محلات مختلفی که موردبررسی قرار گرفته‌اند، نیز با یکدیگر مقایسه خواهند شد. از همه این ۱۵۰ بنا برداشت میدانی و عکاسی انجام شد (شکل ۲).

چگونگی استخراج شاخصه‌ها در چک‌لیست‌ها

ویژگی‌های کیچ در ذیل آورده شده و سپس به کد تبدیل شدند:
- «کیچ» برای آثار هنری‌ای به کار می‌رود که خودبنیاد نیستند و درون‌مایه آنها عمدتاً جلب‌توجه عامه مردم، قدرت حاکم یا انواع ایدئولوژی‌ها است (ناخودبنیادی هنری)؛

- مهم‌ترین هدف «کیچ» جلب عموم مردم است (عامه‌پسند)؛
- «کیچ» مدعی است از مصرف‌کنندگان جز پول چیز دیگری طلب نمی‌کند، حتی زمانشان را (بازار محوری)؛
- «کیچ» مبتنی بر احساسات و عواطف انسانی (عمومی‌ترین و کلی‌ترین خصوصیت نوع بشر) است (رومانتیک)؛
- «کیچ» در خدمت آرمان‌های گروه‌های اجتماعی (به‌خصوص نظام حاکم بر جامعه) است (قدرت محوری)؛
- «کیچ» به لحاظ فرمی فاقد پیچیدگی است و فرایند درک آن بلافاصله و بی‌واسطه است (سادگی فرمی)؛
- «کیچ» مبتنی بر تظاهر و ریای مصرف و تجمل است (تظاهر)؛
- «کیچ» گهگاه نوعی تقلید از ذوق و سلیقه آریستوکراسیک است (نوستالژیک)؛
- «کیچ» از سبک‌های هنری پیشین که دوران خود را گذرانده، نوعی پذیرش عام پیدا کرده و به ورطه تکرار افتاده‌اند، استفاده می‌کند (فاقد خلاقیت)؛

روش نمونه‌گیری

از تعداد ۱۵۰ بنای موردبررسی در این پژوهش، ۵۰ بنا در منطقه الهیه، ۵۰ بنا در محله سعادت‌آباد و ۵۰ بنا در منطقه قرار داشتند. تعداد ۱۱۰ بنای موردنظر، کاربری مسکونی (مجتمع و آپارتمان) و ۴۰ عدد از بناها کاربری اداری-تجاری داشته‌اند. از آنجایی که نما، وجه بیرونی و متظاهر معماری است در این پژوهش موردبررسی قرار گرفت. به این منظور، انتخاب بناها بر اساس دیدگاه مردم و مشاورین املاک صورت گرفته است. به‌بیان‌دیگر، ۱۵۰ بنایی که از نظر مردم و مشاورین املاک، بناهای شاخص و موردقبول بوده‌اند برای بررسی اعلام و انتخاب‌شده‌اند.

- محله الهیه در شمال تهران واقع است که به دلیل این که دارای طبقه اجتماعی بالایی است و بناهایی هم در دوره‌های گذشته و هم در زمان حاضر ۶۸-۹۶ در آن موجود هستند، برای این بررسی انتخاب شد. در این محله، امکان بررسی نمونه‌های گذشته با نمونه‌های فعلی موجود بوده و تغییرات ذائقه مردم و سازندگان قابل‌مقایسه و ارزیابی



بین فلکه اول تا فلکه دوم صادقیه

شکل ۳. بناهای شناسایی‌شده در منطقه صادقیه (بین فلکه اول و دوم) جهت شناسایی ویژگی‌های «کیچ»

مطمئن برای بنا. فرم بیرونی در مواردی عامه‌پسند، التقاطی و نمایشگر است. گاه نمایشی از عناصر نوستالژیک مثل باستان‌گرایی یا حسرت‌گرا نسبت به پیشرفت با عناصر کاذب و تحمیلی از فناوری است و گاه مُدگرا و فاقد ارزش‌های زیبایی‌شناسی است. مصالح و جزییات در این گونه آثار کاملاً از مُد پیروی می‌کنند و کاربرد متعارفی دارند و بدون هیچ‌گونه خلاقیتی به کار می‌روند و همین باعث سهولت در تولید و مصرف آن می‌شود. در اینجا در بیشتر موارد، عدم همخوانی و حضور التقاط و تعدد مصالح نامتجانس به چشم می‌خورد.

تملیل و یافته‌های پژوهش

میزان وجود شاخصه‌های «کیچ» در معماری سه منطقه مذکور در چکلیست‌ها برای ۱۵۰ بنا انجام شد. به‌اختصار از هر منطقه‌ای، دو نمونه در زیر آورده می‌شود (شکل ۴). از تجزیه و تحلیل آمار به‌دست‌آمده، انواع «کیچ» در سه گونه «کیچ» های سبکی، الگویی، مصالح و جزییات بررسی شد. نمونه‌ها و توضیح گونه‌ها در جدول‌های زیر آورده شده است.

«کیچ» از ساده‌ترین و پیش‌یافتاده‌ترین انگاره‌های ذهنی مردم، برای جلبشان، استفاده می‌کند (کلیشه‌ای)؛
 «کیچ» خود را به هیچ سبکی وفادار نمی‌داند و استفاده از سبک‌های مختلف در یک اثر «کیچ» امری مرسوم و متداول است (التقاط)؛
 - در نهایت، «کیچ» اثری است بدلی که فاقد ارزش زیبانشاخصی است (فاقد ارزش زیبانشاخصی).
 ویژگی‌های ذکر شده از «کیچ»، کلی بود و برای استفاده در نقد معماری، می‌بایست با زبان معماری هماهنگ شده و به کدهای مفهومی جهت بررسی تبدیل شوند. از مهم‌ترین شاخصه‌های «کیچ» در معماری، التقاط سبکی است. به شکلی که در آن از عناصر منفرد ناهمگون یا وجود چند ایده متنافر، بدون وجود استراتژی مشخص در بنا استفاده می‌شود. ویژگی دیگر معماری «کیچ»، جذابیت عام و استفاده از کلیشه است. به عبارت دیگر، به دلیل بازار محور بودن و نگاه کالایی به معماری، از کلیشه استفاده می‌شود تا کمترین چالش را برانگیزد و به هیچ‌وجه آشنایی‌زدایی نکند و مخاطب هم بدون ذره‌ای درگیری فکری، صرفاً بیننده یا مصرف‌کننده اثر باشد و خریداری



ملاحظات و جزئیات	فرم و شکل	انواع تقاطع سبک
بازار محور	جدانیت عام	کلیشه ای
کاربرد معمارانه (بدون خلاقیت)	التقاطی (خوشه چینی)	خلاقیت در سلوح رو بنایی
عدم همخوانی	نمایش گرا - سحر گرا	سهولت فهم (سهولت الوصول بودن)
کاذب کاری	صورت‌گرایی نسبت به پیشرفت	بازار محور
	مدگرایی	قدرت محور
	نوستالژیک	عدم ارتباط با زمینه
	رسانای شناسی ناژن	

میزان وجود شاخصه های کیچ در معماری مورد در اید ه ۸۲٪
 در فرم ۷۱٪
 در جزییات ۷۵٪

آیا ساختمان مورد نظر توسط معمار طراحی شده است ؟
 آیا معمار به روی اجرای ساختمان نظارت داشته است ؟

۷۶٪

ملاحظات و جزئیات	فرم و شکل	انواع تقاطع سبک
بازار محور	جدانیت عام	کلیشه ای
کاربرد معمارانه (بدون خلاقیت)	التقاطی (خوشه چینی)	خلاقیت در سلوح رو بنایی
عدم همخوانی	نمایش گرا - سحر گرا	سهولت فهم (سهولت الوصول بودن)
کاذب کاری	صورت‌گرایی نسبت به پیشرفت	بازار محور
	مدگرایی	قدرت محور
	نوستالژیک	عدم ارتباط با زمینه
	رسانای شناسی ناژن	

میزان وجود شاخصه های کیچ در معماری مورد در اید ه ۸۲٪
 در فرم ۸۵٪
 در جزییات ۷۵٪

آیا ساختمان مورد نظر توسط معمار طراحی شده است ؟
 آیا معمار به روی اجرای ساختمان نظارت داشته است ؟

۸۲٪

شکل ۴. دو نمونه از ۱۵۰ چکلیست پر شده از سه منطقه مذکور (به ترتیب: الهیه، صادقیه) و مشخص نمودن میزان وجود شاخصه‌های «کیچ» در بناهای سه منطقه

جدول ۲. دسته‌بندی «کیچ» سبکی به زیرمجموعه‌های کیچ سنتی (هویتی)، کیچ مدرن، کیچ پست‌مدرن، کیچ آوانگارد، کیچ پُست کلنیال / نئوکلاسیک (نما-رومی و...) .

«کیچ» های سبکی		
نمونه	ویژگی‌ها	سبک
	<ul style="list-style-type: none"> - بیش‌تر قدرت‌محور است تا بازارمحور. - استفاده‌ی شکلی و سطحی از عناصر معماری سنتی گذشته بدون خلاقیت - عموماً نوستالژیک و گذشته‌گرا - میل شدیدی به کاذب‌کاری - وجود این کیچ، در مساجد و مکان‌های مذهبی به‌کرات و به‌وفور - جذابیت عامه‌پسند و نشانه‌گرایی سطحی 	کیچ سنتی (هویتی)
	<ul style="list-style-type: none"> - ادامه معماری مدرن در ادامه‌ی تاریخ معماری: جعبه‌کفشی. - بدون هیچ‌گونه ارتباطی با زمینه‌ی اثر؛ به وجود می‌آید، بناهایی مکعبی ایجاد می‌کند که به‌صورت تکراری و کلیشه‌ای با سطوح شیشه‌ای پوشانده شده‌اند. لازم به ذکر است که این گروه، کم‌ترین تعداد شاخصه‌های «کیچ» را در بین دیگر «کیچ» های سبکی در خود جای می‌دهد 	کیچ مدرن
	<ul style="list-style-type: none"> - بناهایی با تزیین‌هایی متقارن و با لبه‌بندی از مصالح مختلف. - میل به کاذب‌کاری. 	کیچ پُست‌مدرن
	<ul style="list-style-type: none"> - نوگرایی به شکلی کاملاً سطحی باعث ایجاد گرایش‌ی در معماری شده که شاید بتوان آن را شبه‌آوانگارد نامید. - تقلید ظاهری از انواع گرایش‌های جدید. از دیکانستراکشن تا فولدینگ. - عموماً تقلیل در نما به کج‌وکوله‌کاری یا ایجاد سطوحی ادامه‌دار به ضخامت چند سانتی‌متر. 	کیچ آوانگارد
	<ul style="list-style-type: none"> - این نوع بناها (که نمونه‌های آن در بخش‌های متوسط-به-بالای شهر بسیار دیده می‌شود) بیش‌تر شاخصه‌های «کیچ» را دربر می‌گیرد. - مهم‌ترینشان تجمل‌گرایی، نوستالژیک بودن، کاذب‌کاری و استفاده از کلیشه است. 	کیچ پست کلنیال / نئوکلاسیک (نما-رومی)

کیچ آوانگارد، کیچ پُست کلنیال / نئوکلاسیک (نما-رومی و غیره) اشاره کرد (جدول ۲).

«کیچ» های الگویی

این نوع بناها الزاماً از لحاظ زیبایی‌شناسی از سبک خاصی پیروی نمی‌کنند، بلکه هر قسمت از بنا پیرو الگوهای کلیشه‌ای واحدی است که طراحان آن را اعمال کرده‌اند. در این نوع بناها، نقاط نقشی بنیادین بازی می‌کند و عدم هماهنگی و ارتباط فرم و محتوا و زمینه از مهم‌ترین خصوصیات این نوع بناها است. از الگوهای مورد استفاده در این نوع بناها می‌توان به عناوین ذکر شده در جدول ۳ اشاره کرد.

«کیچ» های سبکی

در این نوع بناها تمامی شاخصه‌ها و خصوصیات سبک یا گرایشی خاص در ظاهر بنا دیده می‌شود؛ یعنی المان‌ها و آرایه‌های سبکی خاص بدون اینکه با سبک دیگری مخلوط شود، در نما و حجم بنا به چشم می‌آید. در این نوع بناها التقاط و خوشه‌چینی دیده نمی‌شود و یک نوع هماهنگی در زیبایی‌شناسی آنها به چشم می‌خورد. مهم‌ترین شاخصه‌ی «کیچ» در اینجا عدم همخوانی با زمینه و محتوای اثر معماری است و عموماً شاخصه‌های «کیچ» در این نوع بناها در حیطه ایده‌شکل‌دهنده قرار می‌گیرند. از انواع این نوع «کیچ» می‌توان به زیرمجموعه‌های کیچ سنتی (هویتی)، کیچ مدرن، کیچ پست‌مدرن،

جدول ۳. دسته‌بندی «کیچ» الگویی به زیرمجموعه‌های سردر پُست‌کننیال / نئوکلاسیک (طاق با دو ستون رومی)، الگوی تقارن و تاج، الگوی قاب‌بندی کاذب نماها، طاق و قوس سنتی.

الگو	الگوی سردر پُست‌کننیال / نئوکلاسیک (طاق با دو ستون رومی)	الگوی تقارن و تاج	الگوی قاب‌بندی کاذب نماها	طاق و قوس سنتی	
توضیح:	این الگو که در واقع زیرگروهی از گرایش‌های نئوکلاسیک است، به‌طور مستقل نیز در انواع بناهای دیگر به چشم می‌خورد.	این الگو هم کلیشه‌ای از گرایش کیچ پست‌مدرن است که الگویی متقارن دارد و از میان آن نواری شیشه‌ای می‌گذرد و به تاجی در بالای بنا منتهی می‌شود.	این الگو را شاید بتوان «کیچ» مهندسین مشاوره‌ای نامید که از امتدادهای گرایش کیچ پست‌مدرن است	این گرایش از زیرگروه‌های کیچ هویتی - سنتی است که به‌طور مستقل در بناهایی از انواع دیگر نیز به چشم می‌خورد.	
نمونه					

«کیچ» جزئیات و مصالح

در این گونه «کیچ»، استفاده همیشگی و مُد شدنِ مقطعیِ مصالحی خاص (که موردپسند بازار مصرف باشد) جلب نظر می‌کند. از جمله این جزئیات و مصالح می‌توان به عناوین ذکر شده در جدول ۴ اشاره کرد. تحلیل یافته‌ها نشان داد که اکثر بناهای این سه منطقه دارای سه درصد ۲۰، ۵۰ و ۷۰ در میزان استفاده از معیارهای «کیچ» بودند. نمودار میزان استفاده از «کیچ» ۵۰ درصد، در سه منطقه آورده شده است (شکل ۵). مقایسه این سه گونه «کیچ» در سه منطقه شهر تهران که دارای شاخص «کیچ» ۵۰ درصد هستند نشان داد که منطقه

صادقیه درصد بیشتری از «کیچ» را در هر سه گونه سبکی، الگویی و مصالح و جزئیات داراست. منطقه سعادت‌آباد، رتبه دوم را در هر سه گونه داراست و الهیه، در هر سه گونه دارای کمترین میزان «کیچ» است. در نهایت در مجموع شاخص «کیچ» ۵۰ درصد در هر سه گونه، منطقه صادقیه ۷۸ درصد، منطقه سعادت‌آباد ۳۶ درصد و منطقه الهیه ۲۲ درصد از معیارهای «کیچ» را دارا هستند.

محلله صادقیه که در غرب تهران قرار دارد و دربرگیرنده طبقه متوسط به پایین جامعه بوده و بیشتر بناهای موجود در آن، در دوره جدید احداث شده‌اند، دارای بیشترین میزان «کیچ» در این سه منطقه بود

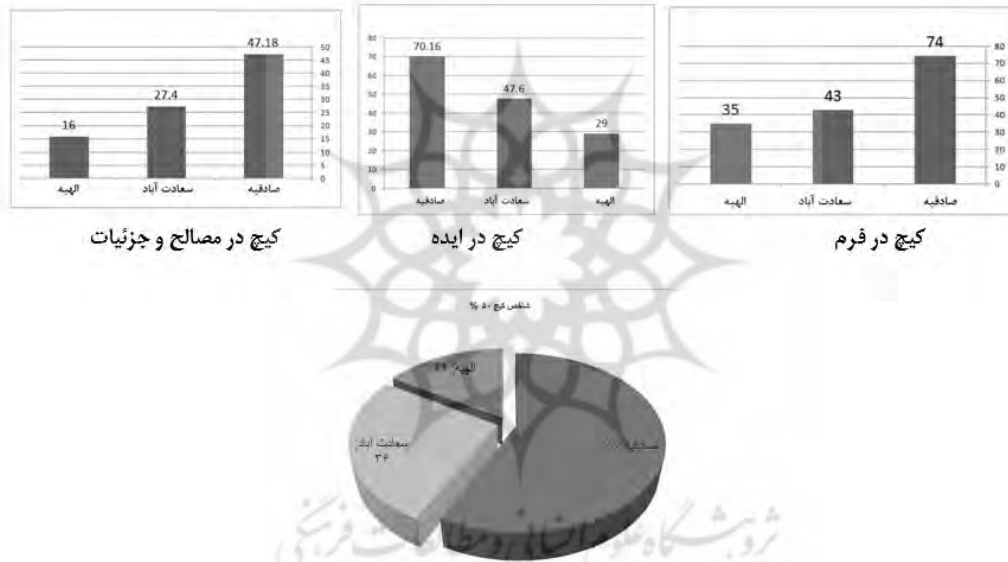
جدول ۴. دسته‌بندی «کیچ» جزئیات و مصالح به زیرمجموعه‌های سنگ گرانبه و شیشه‌ی انعکاسی، سیمان سفید و رابیتس، نمای شیشه‌ای کاذب، تزئین‌های افراطی پنجره (فرفروزه و ...)، کامپوزیت‌های آلومینیومی و شیشه.

الگو	سنگ گرانبه و شیشه‌ی انعکاسی	سیمان سفید و رابیتس	نمای شیشه‌ای کاذب	تزئین‌های افراطی پنجره (فرفروزه)	کامپوزیت‌های آلومینیومی و شیشه
توضیح:	استفاده مقطعی مصالح سنگ گرانبه و شیشه انعکاسی	استفاده‌ی مقطعی مصالح سیمان سفید و رابیتس	استفاده‌ی مقطعی شیشه کاذب در نما	استفاده‌ی افراطی در تزئین‌ها و فرفروزه	استفاده افراطی از کامپوزیت و شیشه
نمونه					

مقایسه سه منطقه بر اساس شاخصه های کیچ



شکل ۵. مقایسه شاخص‌های ۲۰، ۵۰ و ۷۰ درصد «کیچ» سه منطقه صادقیه، الهیه، سعادت‌آباد شهر تهران.



شکل ۶. مقایسه شاخص کیچ های ۵۰ درصد در فرم، در ایده و در مصالح و جزئیات، در سه منطقه صادقیه، الهیه، سعادت‌آباد شهر تهران.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ۱۵۰ بنایی که از نظر مردم و مشاورین املاک، بناهای شاخص و موردقبول بوده‌اند، برای بررسی اعلام و انتخاب شدند. سه دیدگاه ایده‌ی ساختاری، فرم، مصالح و جزئیات در این بناها قابل مشاهده بود. بر اساس این سه گونه، از حجم نمونه‌ها چک‌لیست‌هایی تهیه شد و با تحلیل نمونه‌ها، مشخص شد هر یک از این بناها تا چه حد دارای شاخصه‌های معماری کیچ هستند و محلات مختلفی که موردبررسی قرار گرفته‌اند، نیز با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج پژوهش نشان داد که:

محله سعادت‌آباد که بیشتر دربرگیرنده طبقه متوسط رو به بالای نوظهور است. به‌نوعی نشانگر ذائقه و خواست طبقه متوسطی است که می‌خواهد به‌سوی قشر بالای اجتماعی حرکت کند و از آنجایی که مشکل مالی چندانی در مقابل این حرکت موجود نیست، می‌تواند بستر مناسبی برای رشد و ایجاد پدیده کیچ به شمار می‌آید و رتبه دوم را در شاخص ۵۰ درصد به دست آورد. محله الهیه که در شمال تهران واقع بوده و دارای طبقه اجتماعی بالایی است و بناهایی هم در دوره‌های گذشته و هم در زمان حاضر (۱۳۹۶-۱۳۶۸ شمسی) در آن موجود هستند، کمترین میزان از معیارهای «کیچ» را داراست (شکل ۶).

9. Cursi
10. Sketch
11. Kitschen
12. Verkitschen
13. Clement Greenberg
14. Milan Kundera
15. Herman Broch
16. Jhon Fisher
17. Industrial mass production

۱۸. در این نمودار، طبقه‌بندی اجتماعی به صورت کلی در نظر گرفته شده و فقط دوران قبل و بعد از صنعتی شدن را در برمی‌گیرد. بدیهی است طبقه‌بندی اجتماعی در کشورهای غربی معاصر و همچنین جوامع در حال توسعه نظیر کشور ما دستخوش تغییر گردیده و نیازمند بررسی و کنکاش جدیدی است.

19. Post industrialism

۲۰. اصطلاح کیفی، در مقابل اصطلاح کمی برای توضیح گونه‌ای خاص از تحقیق به کار برده می‌شود.

21. Grounded theory

22. Art work

فهرست مراجع

۱. حقیقت‌خواه، رقیه. (۱۳۹۱). کیچ، هنر مبتدل و فراموشی هستی. ماهنامه فلسفه نو، ۵ (۱)، ۳۸ - ۳۲.
۲. دلاور، علی. (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
۳. رامین، علی. (۱۳۹۰). نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی در هنر. تهران: نی.
۴. شایگان فر، نادر. (۱۳۹۱). زیبایی‌شناسی زندگی روزمره. تهران: هرمس.
۵. فرهادپور، مراد. (۱۳۸۲). بادهای غربی. (چاپ اول). تهران: هرمس.
۶. فرهادپور، مراد. (۱۳۷۹). تجربه مدرنیته. (چاپ اول). تهران: طرح نو.
۷. فیشر، ج. ای. (۱۳۸۴). هنر فاخر و هنر نازل. دانش‌نامه زیبایی‌شناسی بریس گات، دومینیک مک آیورلوویس. (فرشید آذرنگ، مترجم). تهران: فرهنگستان هنر. ۳۱۱ - ۳۰۱.
۸. قهرمان، کاوه. (۱۳۸۳). هنر کیچ. فصلنامه حرفه هنرمند. ۷ (۱)، ۱۹۰ - ۱۹۳.
۹. کوندرا، میلان. (۱۳۹۱). جاودانگی. (حشمت‌الله کامرانی، مترجم). تهران: علم.
۱۰. مددپور، محمد. (۱۳۸۸). گریز و گذر از مدرنیته: فلسفه‌های پست‌مدرن غربی. تهران: نشر سوره مهر.

- سه گونه سه گونه «کیچ سبکی»، «کیچ الگویی»، «کیچ در مصالح و جزئیات» در این بناها قابل تبیین است.

- مهم‌ترین شاخصه‌ی «کیچ» در گونه «سبکی» عدم‌همخوانی با زمینه و محتوای اثر معماری است و عموماً شاخصه‌های «کیچ» در این نوع بناها در حیطه ایده‌ی شکل‌دهنده قرار می‌گیرند. از انواع این نوع «کیچ» می‌توان به زیرمجموعه‌های کیچ سنتی (هویتی)، کیچ مدرن، کیچ پست‌مدرن، کیچ آوانگارد، کیچ پُست کُنلیال / نئوکلاسیک (نما-رومی و غیره) اشاره کرد.

- در گونه «کیچ الگویی» بناها الزاماً از لحاظ زیبایی‌شناسی، از سبک خاصی پیروی نمی‌کنند، بلکه هر قسمت از بنا، پیرو الگوهای کلیشه‌ای واحدی است که طراحان آن را اعمال کرده‌اند. در این نوع بناها التقاط نقشی بنیادین بازی می‌کند و عدم یکدستی و ارتباط فرم و محتوا و زمینه از مهم‌ترین خصوصیات این نوع بناها است. از الگوهای مورد استفاده در این نوع بناها می‌توان به الگوی سردر پُست کُنلیال / نئوکلاسیک (طاق با دو ستون رومی)، الگوی تقارن و تاج، الگوی قاب‌بندی کاذب نماها، الگوی طاق و قوس سنتی اشاره کرد.

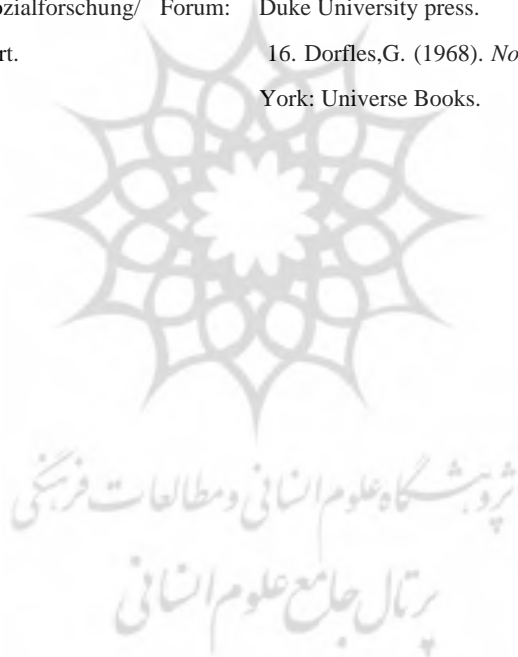
- در گونه «کیچ در مصالح و جزئیات»، استفاده‌ی همیشگی و مُد شدنِ مقطعی مصالحی خاص (که مورد پسند بازار مصرف باشد) جلب نظر می‌کند. از نمونه مصالح و جزئیاتی که بیشتر در این مناطق مورد استفاده قرار گرفته، سنگ گرانیت و شیشه‌ی انعکاسی، سیمان سفید و رابیتس، کامپوزیت‌های آلومینیومی و شیشه، نمای شیشه‌ای کاذب، تزیین‌های افراطی پنجره (فرفورژه و غیره) است.

- بررسی بناهای سه منطقه شهر تهران که دارای شاخص «کیچ» ۵۰ درصد هستند نشان داد که محله صادقیه، دارای بیشترین میزان «کیچ» در این سه منطقه، محله سعادت‌آباد رتبه دوم در شاخص ۵۰ درصد و محله الهیه در شمال تهران کمترین میزان از معیارهای «کیچ» را داراست.

پی‌نوشت‌ها

1. Landscaping
2. Schund
3. Schund literatur
4. Comelote
5. Style pompier
6. Yiddish، زبان یهودیان اروپا که آمیزه‌ای است از عبری، آلمانی، لهستانی، روسی و غیره.
7. Schlock
8. Schmaltz

17. Fisher, J. A. (2005). *High Art Versus Low Art*, Routledge Companion to Aesthetics 2nd ed, Gaut & D. Lopes, London: Routledge Press, 527-540.
18. Greenberg, C. (1989). *Avant-garde and Kitsch*, In *Art and Culture*, (pp. 3-21). Boston: Beacon Press, 1989. First published in 1939.
19. Kulka, T. (1996). *Kitsch and Art*. USA; Pennsylvania State University Press.
20. Strauss, A., & Corbin, J. (1994). *Grounded theory methodology: an overview*. In N. Denzin, & Y. Lincoln (eds). *Handbook of Qualitative Research*. Thousand oaks, CA: Sage.
21. Vasilachis de Gialdino, I. (2011). Ontological and Epistemological Foundations of Qualitative Research [85 paragraphs]. *Forum Qualitative Sozialforschung/ Forum Qualitative Social Research*, 10 (2), Art.
۱۱. معنوی راد، میترا؛ و مرسلی توحیدی، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رویکرد کیچ در عرصه ارتباطات بصری. *نشریه هنرهای زیبا. هنرهای تجسمی*. ۲۰(۳)، ۱۶-۵.
۱۲. موسی پور، محمدیاسر. (۱۳۹۶). تحلیلی بر مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نظریه برخاسته از زمینه. *کیمیای هنر*، ۶ (۲۵).
13. Annells, M. (1996). Grounded theory method: Philosophical perspectives, paradigm of inquiry, and postmodernism. *Qualitative Health Research*. 6, 379-393.
14. Charmaz, K. (2005). *Grounded theory in the 21st century: Applications for advancing social justice studies*. In N. Denzin & Y. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (pp. 507- 535). Thousand Oaks, CA: Sage.
15. Calinescu, M. (1987). *Five Faces of Modernism*, Durham: Duke University press.
16. Dorfler, G. (1968). *Notes on the Problem of Kitsch*. New York: Universe Books.



An Analysis of the Kitsch Typology in Contemporary Iranian Buildings

(Case Study: Tehran City)

*Alireza Taghaboni**, Ph.D. in Architecture, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Ali Akbar Saremi, Ph.D., Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban design, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran,

Abstract

The word of "Kitsch" is German in origin and previously had been translated into French as "art de pacotille (junk art)" or "art tape-à-l'œil (garnish art)", but the original term has now become firmly established in all European languages. The German word Kitsch has no equivalent in French. It refers to all genres of objects in bad taste of artistically pretentious junk, popularizing commonplace forms through their mass-production, but it also applies to literary, artistic or musical works which aim for easy effects (such as melodrama) and pomposity, and cultivate sentimentality or mindless conformity. The term "kitsch", which is often related to artistic disciplines, is very hard to identify and describe. Definitions fluctuate from mass-produced everyday items to achievements of pop-art and other self-aware implementations. Kitsch art may often contain palatable, pleasant and romantic themes and visuals that few would find disagreeable, shocking or otherwise objectionable; it generally attempts to appeal to the human condition and its natural standards of beauty on a superficial level. It may also be quaint or "quirky" without being controversial. The notion of Kitsch first appeared in the nineteenth century and it is an international movement of classical painters, founded in 1998 upon a philosophy proposed by Odd Nerdrum. It became the object of keen attention when mass society—helped by increased leisure time—had at its disposal a "culture for the masses" that, by its nature, seemed to threaten the very existence of authentic culture. Kitsch covers all different means of expression once they abandon rigor in order to cater to a wider public. Kitsch architecture is one of the types of pests in the creative movement that recognizing it and the typology of this type of architecture and recognizing it. It's rooted in today's architecture, gives us a better understanding of ourselves and our ways and methods. A methodology of this research is qualitative and its method is Grounded theory includes "open coding and axial coding. Grounded theory is a systematic methodology in the social sciences involving the construction of theories through methodical gathering and analysis of data. It operates inductively, in contrast to the hypothetico-deductive approach. A study using grounded theory is likely, to begin with, a question, or even just with the collection of qualitative data. As researchers review the data collected, repeated ideas, concepts or elements become apparent, and are tagged with codes, which have been extracted from the data. The purpose of this research is analyzing the typology of "kitsch" in contemporary Iranian buildings and identify the criteria and characteristics of this form of architecture in Iran. In this regard, 150 buildings which consultants by the people and real estate, were considered as architectural projects, were selected and reviewed. All of The facades could be categorized based on three aspects based on idea, shape, and details in relation to the concept of the Kitsch. The results of the research indicate that these attributes can be explained in three types of kitsch: style-based Kitsch, pattern-based Kitsch, material and detail- based Kitsch.

Keywords: Style-based Kitsch, Pattern-based Kitsch, Material and detail- based Kitsch.

* Corresponding Author Email: Taghaboni@nextoffice.ir